یادداشت

وقتی درباره عامل انسانی سوانح حرف می‌زنیم

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

عامل انسانی یکی از دلایل اصلی بروز سوانح رانندگی است؛ سوانحی که درباره پیامدهای ناگوار آن همواره موضوعات بسیاری مطرح و محتواهای زیادی هم تولید می‌شود، به این امید که موضوعات مطرح‌شده و محتواهای تولیدشده بتواند منجر به قانون‌پذیری متخلفان و کاهش آسیب‌های این حوزه شود. در این بین در کنار راه و خودرو از عامل انسانی به عنوان یکی از دلایل مهم بروز این سوانح یاد می‌شود. وقتی سخن از عامل انسانی به میان می‌آید، تأکید بیشتر روی راننده‌ای است که پشت فرمان می‌نشیند و در صورتی که رانندگی او منجر به بروز حادثه‌ای شود، تقصیرها متوجه خطای او یا راننده‌های دیگر می‌شود. دلایلی از جمله سرعت و سبقت غیرمجاز، انحراف به چپ، خستگی و خواب‌آلودگی، حرف زدن با تلفن همراه یا دلایلی از این دست که پلیس بعد از وقوع حوادث آن را اعلام می‌کند.

عامل انسانی در نگاه کلی‌تر صرفاً روی نقش راننده تأکید ندارد، بلکه متوجه نقش پررنگ انسان روی چرخه‌ای است که پیامد آن سفر امن یا ناامن را به دنبال خواهد داشت. خودرو به عنوان یکی از دلایل مهم بروز این سوانح با دخالت انسان وارد چرخه حمل و نقل می‌شود.

انسانی که با علم به ناایمن بودن یک خودرو آن را تولید می‌کند و بدون توجه به پیامدهایی که به دنبال دارد، آن را عرضه می‌کند در واقع در بروز سوانح نقشی پررنگ خواهد داشت. تولیدات دو کارخانه مونتاژکار داخلی که سهم پررنگی در کشتارهای جاده‌ای دارند با مداخلات عوامل انسانی است که مجوز تولید ارابه‌های مرگ را صادر و آن را به مردم قالب می‌کنند. این موضوع در مورد عامل دوم که همان عامل راه می‌باشد هم مصداق دارد. راه‌های امن و راه‌های ناامن هر دو محصول فعالیت‌های انسانی هستند که دستاورد یکی نقطه‌ای حادثه‌خیز است و دیگری مسیری امن برای تردد.

اینکه بسیاری از سوانح به دلیل بی‌توجهی به نقاط حادثه‌خیز رقم می‌خورد، در واقع همان ترک فعل عامل انسانی است که با علم به حادثه‌خیز بودن یک محل نسبت به رفع آن بی‌توجه است. عوامل جانبی بسیاری هم در این موضوع نقش دارند که آن هم با مداخلات انسانی همراه است از جمله تدوین قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی یا نظارت پلیس یا قاضی که همه این موضوعات باید در انجام مأموریت‌های خود درست عمل کنند. در حال حاضر می‌توان به جرئت گفت که همه شهروندان به نوعی کاربران راه هستند که می‌توانند در وقوع یا پیشگیری از بروز سوانح نقش داشته‌باشند. مثلاً وقتی مکانیک به جای نصب قطعه اصلی روی یک خودرو قطعه دست دوم قرار می‌دهد و پول قطعه اصلی را از او می‌گیرد، او هم در بروز سانحه‌ای که ممکن است روی دهد، دخالت دارد، هر چند ممکن است روحش هم از بروز آن حادثه باخبر نباشد. این موضوع را می‌شود به مناسبات بسیاری در این چرخه مربوط کرد، با این حال مخلص کلام می‌تواند همان ضرب‌المثل معروف ژاپنی باشد که می‌گوید به خاطر میخی، نعلی افتاد؛ به خاطر نعلی، اسبی افتاد؛ به خاطر اسبی، سواری افتاد؛ به خاطر سواری، جنگی شکست خورد؛ به خاطر شکستی، مملکتی نابود شد و همه اینها به خاطر کسی بود که میخ را خوب نکوبیده‌بود. در واقع همه کاربرانی که در این چرخه قرار دارند به نوعی در بروز این سوانح نقش خواهند داشت. چه وزارت صمت، سازمان استاندارد یا سازمان استاندارد که مجوز تولید خودروهای ناامن را می‌دهند یا مکانیکی که در عمل به وظیفه‌اش کوتاهی می‌کند و هیچ نظارتی روی آنها وجود ندارد.

مرگ مشکوک مرد ملاردی در تهران بررسی می‌شود

مأموران پلیس تهران جسد مردی را کشف کردند که به صورت مشکوکی به کام مرگ رفته‌بود.

به گزارش «جوان»، چند روز قبل پسر جوانی در شهرستان ملارد به اداره پلیس رفت و از گم شدن پدر میانسالش به نام احمد خبر داد.

وی به مأموران گفت: «پدرم امروز صبح از خانه خارج شد و قرار بود برای انجام کاری به تهران برود. شب منتظرش بودیم، اما او به خانه نیامد و وقتی هم با تلفن همراهش تماس گرفتیم، خاموش بود. نگرانش شدیم و با دوستان و بستگان برای پیدا کردن ردی از او تماس گرفتیم، اما نتیجه‌ای نگرفتیم و الان برای پیدا کردن پدرم از پلیس درخواست کمک داریم.»

با شکایت پسر جوان تیمی از مأموران برای پیدا کردن ردی از مرد گمشده وارد عمل شدند. تحقیقات و بررسی دوربین‌های مداربسته نشان داد مرد گمشده روز حادثه برای رفتن به تهران سوار خودروی عبوری و پس از آن ناپدید شده‌است.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، به مأموران پلیس خبر رسید روز حادثه رهگذرانی در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران پیکر نیمه‌جان مردی را به بیمارستان منتقل کرده‌اند که وی چند ساعت بعد در بیمارستان فوت می‌کند. از آنجایی که مرد فوت‌شده شباهت زیادی به مرد گمشده داشت، خانواده وی به پزشکی قانونی رفتند و جسد پدرشان را شناسایی کردند. همزمان با انتقال جسد مرد گمشده به پزشکی قانونی برای مشخص‌شدن علت اصلی مرگ مأموران راننده خودرو را تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه در بررسی‌های فنی دریافتند راننده خودروی سواری در تهران زندگی می‌کند. بدین ترتیب، صبح دیروز مأموران پلیس از ملارد برای شناسایی و دستگیری راننده خودروی سواری به تهران آمدند. مأموران در تلاشند تا متهم را بازداشت و زوایای پنهان حادثه را بر ملا کنند.

تلاش برای پیوند زدن مرگ «سعید بی‌ناموس» به طرح حجاب

انتشار خبر مجرم معروف به «سعید بی‌ناموس»، همان شروری که پس از دستگیری با خوردن قرص فوت شده نشان می‌دهد معاندان از هر دستاویزی برای حمله به طرح حجاب استفاده می‌کنند.

طرح پلیس برای برخورد با ناهنجاری‌های اجتماعی در حوزه حجاب که عمدتاً مربوط به برخورد با مصادیق کشف حجاب می‌شود از روز شنبه ۲۵ فروردین‌ماه شروع شد. اجرای این طرح که به مرگ مهسا امینی پیوند زده می‌شود بار دیگر هجمه رسانه‌های معاند را به همراه داشته است. انتشار مدام کلیپ‌های استقرار پلیس در نقاط مختلف شهر و اقدام‌های عملی پلیس با تحلیل‌های بسیاری برای گسترش بی‌حجابی دنبال می‌شود. این رسانه‌ها از زمان اجرای طرح مترصد فرصتی بوده و هستند که اتفاق مشابهی با مرگ مهسا در بازداشتگاه پلیس روی دهد تا با دستمایه قرار دادن آن بتوانند زمینه‌های لازم برای برافروختن آتش فتنه‌ای دیگر را فراهم کنند. معاندان حتی از مرگ یکی از اشرار در بازداشت پلیس نهایت استفاده را برده‌اند، تا جایی که مرگ این گولاخ شرور و متجاوز به نوامیس را به طرح حوزه حجاب پیوند زدند و مدعی شدند یکی از دخترانی که در جریان این طرح بازداشت و به بازداشتگاه معروف به «وزرا» منتقل شده، فوت کرده است. بازداشتگاه وزرا همان جایی است که پیشتر پذیرای زنان و دختران بازداشت شده بود، اما از سال قبل این محل به محلی برای بازداشت اوباش تهران تبدیل شده است. فردی هم که رسانه‌های معاند تلاش می‌کنند آن را دختر معرفی کنند، به «سعید بی‌ناموس» معروف است که به اتهام تعرض به نوامیس مردم و ایجاد اخلال در نظم ناشی از عربده‌کشی بازداشت شده بود. وقتی خبر رسید این فرد به دلیل مصرف قرص دچار مسمومیت شده به مرکز درمانی منتقل شد، اما تلاش برای نجات او ثمری نداشت و فوت شد. فیلمی که از متهم، معروف به سعید بی‌ناموس

متهم در حال تخریب خودروها

همراه یکی از دوستانش منتشر شده، حکایت از این دارد که متهمان شبانه در حال شکستن شیشه‌های خودروهای پارک شده مردم هستند.

سرهنگ سعید راستی، رئیس مرکز عملیات پلیس امنیت تهران بزرگ درباره مرگ شرور معروف به «سعید بی‌ناموس» می‌گوید: همزمان با تحویل سال نو، دو نفر از اوباش وارد یکی از محله‌های شهر می‌شوند و شروع به تخریب خودروها می‌کنند. همزمان با حضور پلیس مشخص می‌شود متهمان از محل گریخته‌اند که تحقیقات برای بازداشت آنها به جریان می‌افتد. ۱۰ روز بعد از حادثه مخفیگاه یکی از متهمان- سعید بی‌ناموس- در شرق تهران شناسایی و زمانی که پلیس در محل حاضر می‌شود، متهم مقابل پلیس مقاومت می‌کند که مأموران با به کارگیری قانون استفاده از سلاح تیراندازی می‌کنند و او را در حالی که از ناحیه مچ پا زخمی شده است، بازداشت می‌کنند و به بیمارستانی در شمال تهران منتقل می‌شود.»

سرهنگ راستی درباره اقدام‌های درمانی روی متهم نیز خاطرنشان می‌کند: «بعد از انجام اقدام‌های اولیه درمانی، متهم به بیمارستان فراجا منتقل می‌شود و خانواده‌اش هم در بیمارستان حاضر می‌شوند و پس از کامل شدن اقدام‌های درمانی، متهم به زندان تهران بزرگ منتقل می‌شود.»

سرهنگ راستی درباره نحوه فوت متهم می‌گوید: «مطابق رویه قانونی پس از بازداشت، متهم باید برای بازسازی صحنه جرم و تحقیق درباره همدست او از زندان منتقل می‌شد برای همین مأموران بدرقه برای انتقال متهم به زندان مراجعه می‌کنند. در جریان انتقال متهم مشخص شد او قرص‌هایی را که در گچ پایش پنهان کرده بود مصرف کرده‌است، برای همین دچار افت هوشیاری شد و بعد از انتقال به مرکز درمانی جانش را از دست داد.»

سرهنگ راستی تأکید می‌کند مقری که در خیابان وزرا قرار دارد مربوط به مبارزه با اراذل و اوباش و جرائم خشن تهران است.

پلیس تهران در توضیح مرگ این شرور گفته است: «متهم که یکی از اوباش سطح یک تهران بود ۹ مورد سابقه بازداشت و سوابق متعدد نزاع و درگیری با مردم، چندین فقره آزار و اذیت نوامیس، عربده‌کشی و شکستن شیشه خودروها و توزیع مواد مخدر را داشت که بازداشت و به زندان منتقل شد.

دستمزد ۲۰ هزار دلاری برای حمل محموله هزار کیلویی شیشه

غلامرضا مسکنی

مرد افغانی که بیش از یک تن مخدر شیشه را در پوشش انتقال سنگ معدن با تریلی از مرز به تهران منتقل می‌کرد پس از دستگیری مدعی شد برای حمل بار ۲۰ هزار دلار دستمزد گرفته‌است.

صبح دیروز پلیس مبارزه با موادمخدر پایتخت کشفیات موادمخدر در فروردین ماه امسال را در محوطه پلیس آگاهی تهران بزرگ برای خبرنگاران و اصحاب رسانه به نمایش گذاشت. میزهای چیده‌شده پر از انواع موادمخدر که مقدار کمی از مواد کشف شده‌بود، نشان می‌داد سوداگران مرگ که برای به دست آوردن پول‌های باد آورده، نابودی کانون خانواده‌ها و اسارت جوانان بیکار ننشسته‌اند و در مقابل پلیس هم با جانفشانی مبارزه سختی را با آنها آغاز کرده به طوری که در کمتر از یک ماه ۳هزارو ۱۰۰ کیلو انواع موادمخدر در تهران کشف و ۳هزارو ۲۰۰ خرده‌فروش را دستگیر کرده‌است. در وسط میدان هم تریلی سبزرنگ توقیف‌شده‌ای هم به نمایش گذاشته‌است که مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر تهران از داخل آن یک تن شیشه در نزدیکی ورودی تهران کشف کرده‌بودند. این محموله بزرگ شیشه به صورت حرفه‌ای و خیلی پیچیده در پوشش بار سنگ‌های معدنی جاسازی و از نقطه صفر مرزی وارد ایران شده‌بود، قرار بود در تهران فرآوری و از طریق خرده‌فروشان در اختیار جوانان قرار بگیرد، اما چشمان تیزبین مأموران پلیس نقشه آنها را نقش بر آب کرد. روی چند میز هم موادمخدر با بسته‌بندی‌های مانند سوغات کرمانشاه چیده شده‌بود و قاچاقچیان سعی داشتند با این نوع بسته‌بندی پلیس را فریب دهند. از طرفی هم قاچاقچیان برای فریب جوانان هم بیکار ننشسته بودند و آنها موادمخدر گل را در بسته‌بندی کوچک خیلی زیبا و با طرح‌های مختلف تهیه کرده‌بودند.

ایسنا

افزایش ۲۰ درصدی کشفیات

سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی پایتخت که در جمع خبرنگاران حضور داشت، درباره کشفیات پلیس مبارزه با موادمخدر تهران بزرگ گفت: ابتدا باید بگویم دغدغه برخی از شهروندان این بود که اگر پلیس به یک مأموریت جدید برود، از مأموریت‌های دیگر غافل می‌شود، اما این در حالی است که پلیس همه ۷۰۰ مأموریت خود را از نقطه صفر مرزی تا داخل شهرها به موقع انجام می‌دهد.

وی با بیان اینکه بیش از ۳هزارو ۱۰۰ کیلوگرم موادمخدر در سال جاری کشف و ضبط شده‌است، از کشف بزرگ‌ترین محموله شیشه خبر داد و گفت: یک تریلی حامل محموله هزار و ۱۱۸ کیلوگرم موادمخدر از نوع شیشه توقیف شد؛ این محموله بزرگ‌ترین محموله شیشه کشف شده‌است که مقصدش تهران بود. قاچاقچیان در جاسازی و پوشش ظاهری متفاوت و با یک پیچیدگی خاص مواد را جابه‌جا می‌کنند؛ این پرونده اخیر هم یک کار پیچیده پلیسی را در چند ماه به دنبال داشت و در این زمینه سه نفر متهم اصلی دستگیر شدند.

وی افزود: سردار محمدیان با اعلام اینکه امسال ۳هزارو ۲۰۰ توزیع‌کننده جزء و کسانی که حامل موادمخدر دستگیر شدند، خاطر نشان کرد: در سال ۱۴۰۲ هم با تلاش مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر بیش از ۲۰ درصد افزایش کشفیات موادمخدر را شاهد بودیم.

دوست دارم سلطان گل شوم

در گوشه‌ای از محوطه هم تعدادی از سوداگران و خرده‌فروشان موادمخدر که به تازگی دستگیر شده‌اند، نشسته‌اند.

چهره یکی از آنها خاص‌تر به نظر می‌رسد. خالکوبی‌های روی صورت، گردن و حتی گوش‌هایش او را از دیگر متهمان متمایز کرده است. قسمتی از خالکوبی‌هایش معرف شغل او است و خودش می‌گوید سال‌هاست موادمخدر گل می‌فروشد و از آنجایی که علاقه زیادی به گل دارد، گل را روی بدنش خالکوبی کرده است.

سیروس! سابقه داری؟

بله چند باری دستگیر شده‌ام.

به چه جرمی؟

درگیری و فروش موادمخدر گل.

الان هم به اتهام فروش موادمخدر گل بازداشت شده‌ای؟

بله

چرا در این چند بار توبه نکردی؟

من علاقه زیادی به گل دارم و واقعیتش از بویش خوشم می‌آید، البته خودم زیاد مصرف نمی‌کنم، اما آنقدر به گل علاقه دارم که خیلی از خالکوبی‌های بدنم عکس موادمخدر گل است.

یعنی فقط به خاطر علاقه موادمخدر گل می‌فروشی؟

نه پول هم در میاورم. الان بین دوستانم معروف به سلطان هستم و دوست دارم من هم سلطان گل شوم. مثل فردی که سلطان کوکائین است. از طرفی هم فروش موادمخدر قدرت می‌آورد و من دوست دارم فرد قدرتمندی باشم.

چطور قدرت می‌آورد؟

همین که افرادی به سراغت می‌آیند و درخواست می‌کنند به آنها مواد بدهی و گاهی هم که می‌گویی ندارم، التماس می‌کنند، باعث قدرت می‌شود.

چطور موادمخدر گل می‌فروشی؟

ابزار من یک خط تلفن همراه است. همین تلفن همراه از صبح تا شب زنگ می‌خورد و مشتریان شماره مرا دارند. البته خیلی از رقیب‌هایم دنبالم هستند، شماره مرا به دست بیاورند، اما من حاضر به فروش آن نیستم. سیم کارت من مشتریان میلیاردی دارد و هر روز بالای هزار نفر برای خرید مواد با من تماس می‌گیرند.

مشتریانت چه افرادی هستند؟

بیشتر جوانان هستند که به دنبال شادی‌اند.

فکر نمی‌کنی چه آسیب‌هایی به جوانان وارد می‌کنی؟

به هر حال من نفروشم آنها از فروشنده دیگری می‌خرند.

۲۰ هزار دلار دستمزد حمل شیشه

یکی دیگر از متهمان دستگیر شده راننده تریلی محموله شیشه است. وی در گفت‌وگو با خبرنگار ما مظلوم‌نمایی می‌کند و می‌گوید بی‌گناه است.

مسعود به چه جرمی دستگیر شده‌ای؟

می‌گویند بار تریلی‌ام شیشه است و الان به جرم حمل موادمخدر شیشه بازداشت شده‌ام.

به هر حال قبول داری که بار تریلی‌ات بیش از یک تن شیشه بوده است؟

بله الان متوجه شدم، اما خبر نداشتم که شیشه بار زده‌ام.

چطور؟

من اهل یکی از کشورهای همسایه هستم و کارم رانندگی است. مدتی قبل از کشورم تاجری مقدار زیادی سنگ معدنی بار زد و قرار بود من سنگ‌ها را به تهران منتقل کنم. خبر نداشتم که بار تریلی‌ام علاوه بر سنگ، موادمخدر شیشه هم است تا اینکه در نزدیکی تهران بازداشت شدم.

چقدر دستمزد گرفتی برای حمل بار؟

۲۰ هزار دلار دستمزدم بود.

پس پولداری؟

من از بچگی کار می‌کردم و از ضایعات جمع‌کنی شروع کردم تا اینکه تریلی خریدم. الان هم می‌خواستم با دستمزدی که گرفته‌ام یکی از بستگانم را که در کشورم مرتکب قتل شده نجات بدهم.

یعنی همه دستمزدت را می‌خواستی دیه بدهی؟

بله. چیز مهمی نیست من حتی برای نجات او دست به آدم‌ربایی هم زدم.

کجا؟

چند سال قبل در کشورم پسر یک تاجر پولدار را ربودم تا با اخاذی از خانواده‌اش دیه فامیلم را پرداخت کنم. البته دستگیر و بعد از چند سال آزاد شدم. الان هم امیدوارم بی‌گناهی‌ام ثابت شود و زود آزاد شوم.

از تکاب تخلف‌های شبانه در گفت‌وگو با سرهنگ فیروز کشیر، معاون اجتماعی پلیس راهور تهران

باید به سمتی برویم که در نبود پلیس تخلف نشود

حسین فصیحی

خلوت بودن معابر و نبود پلیس در معرض نگاه رانندگان امکان بروز بسیاری از تخلف‌های شبانه را صورت می‌دهد، تخلف‌هایی که خیلی وقت‌ها منجر به بروز سوانحی مرگبار می‌شود که با احترام به قانون به راحتی امکان پیشگیری از وقوع آن وجود دارد. در این باره با سرهنگ فیروز کشیر، معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور تهران بزرگ گفت‌وگو کرده‌ایم.

توقیف ۲۰۶ هزار خودرو ناشی از تخلف‌های شبانه پایتخت در سالی که گذشت، نشان از فراوانی امکان بروز تخلف دارد. دلیل این فراوانی چیست؟

فراوانی این تخلف‌ها به این دلیل است که خودروی بسیاری از این متخلفان در چند نوبت توقیف شده است. عده‌ای از رانندگان بعد از یک‌بار تخلف و توقیف ساعتی دیگر مرتکب تخلف نمی‌شوند، اما هستند رانندگانی که ترس از اعمال قانون ندارند و بر این باورند تعدد تخلف و اعمال قانون برایشان تفاوت ندارد. با این حال پلیس در چارچوب قانون با متخلفان برخورد می‌کند. ضمن اینکه سال گذشته حدود ۱۴۱ هزار خودرو توقیف و به پارکینگ منتقل شدند.

آیا امکان برخورد شدیدتر با این دسته از متخلفان وجود دارد؟ ممکن است بی‌پروایی آنها در تکرار تخلف برای دیگر شهروندان ایجاد حادثه کند؟

بله، پلیس متناسب با تکرار تخلف با این متخلفان برخورد خواهد کرد، از جمله اینکه خودرو توقیف و به پارکینگ منتقل می‌شود. با این حال ارتکاب تخلف‌های شبانه بدیهی است، چراکه شب‌هنگام امکان دید رانندگان محدودتر و حضور پلیس هم کمتر است.

گزارش‌های پلیس نشان می‌دهد برخی حوادث شبانه ناشی از خاموشی معابر است و رانندگان یا راکبان موتورسیکلت به دلیل تاریکی مسیر دچار حوادث فوتی هم می‌شوند. چرا نسبت به رفع این خاموشی‌ها کاری صورت نمی‌گیرد؟

پلیس گزارش‌های خاموشی‌های معابری را که امکان بروز سوانح در آن وجود دارد به شهرداری‌ها یا اداره برق گزارش می‌کند و آنها ملزم به رفع خاموشی هستند. پلیس بعد از اعلام گزارش، موارد مورد نظر را بازبینی می‌کند و اگر به این موضوع توجه نشود آنها باید به قانون پاسخگو باشند. در حال حاضر هم مکاتبات پلیس با شهرداری‌ها در جریان است و گزارش‌های ما نشان می‌دهد وضعیت روشنایی‌ها بهتر شده است، از جمله در بزرگراه آزادگان که در طول شبانه‌روز تردد بسیاری در آن جریان دارد. ذکر این موضوع هم ضرورت دارد که برخی مناطق فاقد تأسیسات زیربنایی هستند که ما مکاتبات لازم را در این باره انجام داده‌ایم.

در ارتکاب یا عدم تخلف همواره به حضور میدانی پلیس توجه می‌شود، از جمله اینکه در شب که حضور فیزیکی پلیس کمتر است در کنار موارد دیگر امکان بروز تخلف هم افزایش پیدا می‌کند. امکان تغییر این رفتار چگونه ممکن خواهد بود؟

این موضوع ریشه در ساختار فرهنگی جامعه دارد، به‌طوری که شهروندان باید به سویی بروند که اگر پلیس حضور نداشت هم تخلف نکنند. دورانی که همه چیز بسته به حضور فیزیکی پلیس بود گذشته است. در حال حاضر گواهینامه‌های جدید آمده، تحصیلات عالیه مردم بیشتر شده و اقدام‌های بهتری در این حوزه صورت گرفته است. باید به سمتی برویم که اجرای تخلف را به چشم منکر نگاه کنیم، نه اینکه بگوییم چون پلیس نیست، تخلف می‌شود. باید ساختار فرهنگی به سمتی برود که اگر پلیس نبود، تخلف نشود که این موضوع هنر است. اگر پلیس باشد و تخلف نشد هنر نیست، چراکه از ترس پلیس است که تخلف نمی‌شود.

بنابراین در نبود حضور فیزیکی پلیس در شب باید حضور پلیس‌های نامحسوس در شب‌ها بیشتر باشد.

همین‌طور است. البته پلیس نامحسوس همواره در معابر بزرگراهی شهر حضور دارد، اما حضورشان شب‌ها بیشتر است. بزرگراهی وجود ندارد که پلیس نامحسوس در آن فعال نباشد.

با این حال عمده‌ترین دلایل بروز این سوانح چه چیزهایی هستند؟

گزارش‌های ما درباره تخلف‌های شبانه نشان می‌دهد ۴۸ درصد از تصادفات فوتی که در شب اتفاق می‌افتد به دلیل عدم توجه به جلوست، ۳۴درصد سوانح هم به دلیل عدم توانایی راننده در کنترل وسیله نقلیه و ۴ درصد هم به دلیل تغییر مسیر ناگهانی اتفاق می‌افتد. اوج سوانح رانندگی شبانه در تهران هم بین ساعت‌های ۲۲ تا ۲۴ است. گزارش‌های ما همچنین نشان می‌دهد ساعت‌های یک تا چهار صبح امکان بروز سوانح افزایش پیدا می‌کند که در این بین ۳۷ درصد عابرین پیاده، ۱۷ درصد تخلفات خودروها و ۴۶ درصد هم مربوط به سوانحی است که موتورسواران رقم می‌زنند. عمده سوانحی که برای رهگذران اتفاق می‌افتد ناشی از پوشش تیره شهروندان است که امکان دید برای راننده وجود ندارد و حادثه اتفاق می‌افتد.